

تحلیلی بر وضعیت مهاجرت استان‌های کشور با تأکید بر عوامل اجتماعی و فرهنگی

میلاذ تفنگچی مهباری* (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

مهدی پندار (استادیار دانشکده اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

امیر ثامنی (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

آرمان خواجه برج سفیدی (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران)

چکیده

عوامل مؤثر بر شکل دهی یا تغییرات ساختار جمعیتی، شامل سه عامل: باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت در مقیاس‌های مختلف فضایی است؛ به نحوی که در هر برهه زمانی، نقش و تأثیر هر کدام می‌تواند متفاوت باشد؛ اما امروزه مهاجرت نقش به مراتب مهم‌تری در رشد جمعیت ایفا می‌کند؛ زیرا علاوه بر تأثیر مستقیمی که بر ساختار جمعیتی یک محدوده جغرافیایی می‌گذارد، بر نحوه پراکنش نیروی کار نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ علاوه بر این مهاجرت می‌تواند از عدم تعادل‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر پذیرفته و از طرف دیگر خود باعث تشدید این نابرابری‌ها می‌شود. نتیجه این برهم‌کنش، عدم توزیع مناسب جمعیت و به تبع آن، نابرابری در سرمایه‌گذاری‌های ملی، عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی و فرهنگی می‌شود که این امر به دنبال خود مشکلات متعددی را ایجاد می‌کند. هدف این پژوهش استخراج و تحلیل رابطه بین مهاجرت و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی است که این پدیده را تشدید می‌کند. این متغیرها از طریق تحلیل عاملی اکتشافی گروه بندی شده و عوامل اجتماعی و فرهنگی تشدیدکننده مهاجرت استخراج شده است؛ سپس ارتباط میان هریک از این عامل‌ها و مهاجرت استان‌های کشور از طریق روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی تبیین شده است. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که نرخ خالص مهاجرت بیشترین همبستگی را به ترتیب با ویژگی‌های جمعی و فردی توسعه در وهله اول، با درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی در وهله دوم و سپس با تنوع امکانات شهری و قومیت‌ها داشته است. بررسی میزان تأثیر زیربناها یا معیارهای اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی نیز این واقعیت را آشکار می‌سازد که همه این مؤلفه‌ها تأثیرات برابری بر میزان مهاجرت شکل گرفته در استان‌های کشور نداشته و اثرات آن‌ها بر میزان نرخ مهاجرت متفاوت بوده است.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۶ خرداد ۱۴۰۰

صفحات:



کلید واژه‌ها:

مهاجرت، ابعاد اجتماعی و فرهنگی، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی، استان‌های ۳۱ گانه کشور.

* نویسنده مسئول: میلاذ تفنگچی مهباری

پست الکترونیک: milad.tofangchi@ut.ac.ir

مقدمه

جمعیت رکن ناگسستنی از ارکان سه گانه برنامه ریزی توسعه فضایی (در کنار فضا و فعالیت) محسوب می شود؛ به نحوی که الگوی استقرار و روند تحول آن شاخص مبنایی و قطعی در توزیع و پراکنش فعالیت ها در نظام برنامه ریزی توسعه و سیاست گذاری های آتی سرزمین به شمار می رود. از طرفی تحولات جمعیت و پراکندگی آن، بازتاب و برآیند بسیاری از متغیرهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های مختلف در پهنه سرزمین است.

عوامل مؤثر بر شکل دهی یا تغییرات ساختار جمعیتی، شامل سه عامل: باروری، مرگ و میر و الگو و میزان مهاجرت (شامل مهاجرت به خارج و مهاجرت به داخل) در مقیاس های مختلف فضایی هستند؛ به نحوی که در هر برهه زمانی نقش و تأثیر هر کدام می تواند متفاوت باشد؛ اما امروزه مهاجرت، نقش به مراتب مهم تری در رشد جمعیت ایفا می کند؛ زیرا علاوه بر تأثیر مستقیمی که بر ساختار جمعیتی یک محدوده جغرافیایی می گذارد، بر نحوه پراکنش نیروی کار نیز تأثیر گذار خواهد بود. همچنین مهاجرت علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، می تواند آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز بر تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل هایی را در جمعیت های تحت تأثیر خود به وجود بیاورد.

امروزه پدیده مهاجرت در ایران به یک مفهوم چندبعدی و پیچیده تبدیل شده که از یک طرف از عدم تعادل های اجتماعی، هویتی، اقتصادی، مدیریتی و... تأثیر می پذیرد و از طرف دیگر خود باعث تشدید این نابرابری ها می شود. نتیجه این برهم کنش، عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه گذاری های ملی، عدم تعادل های منطقه ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، گسترش مادرشهرها و به تبع آن

گسترش حاشیه نشینی و مشاغل غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ است که این امر به دنبال خود مشکلات متعددی را ایجاد می کند.

هدف این پژوهش استخراج و تحلیل رابطه بین مهاجرت و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی است که این پدیده را تشدید می کند و در جهت دستیابی به این هدف در وهله اول لازم است متغیرهایی که بر پدیده مهاجرت تأثیرگذار هستند، از طریق چارچوب نظری این پژوهش و مطالعه اسناد و متون منتشر شده در این حوزه تعریف شود. در وهله دوم لازم است این متغیرها گروه بندی شده و عوامل اجتماعی و فرهنگی تشدیدکننده مهاجرت استخراج شود. سپس ارتباط میان هر یک از این عوامل و مهاجرت استان ها تبیین شود. به طور کلی پرسش هایی که این پژوهش در جهت پاسخ گویی به آن ها تدوین شده است، عبارتند از:

- متغیرها و عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر وضعیت مهاجرت استان های کشور کدام اند؟
- در فرایند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان های کشور طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ کدام یک از متغیرها و عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشتر تأثیرگذار بوده اند؟

دیدگاه های اجتماعی و فرهنگی نسبت به پدیده مهاجرت، باعث شده تحلیل های متفاوتی از این موضوع صورت بگیرد، اما به طور کلی دیدگاه محققان نسبت به موضوع مهاجرت در دو گروه کلی قابل تفکیک است؛ گروه اول عمدتاً بر مفهوم مهاجرت از روستا به شهر (که بیشترین سهم را از مهاجران جابه جاشده در سطح کشور دارند) متمرکز شده اند و معتقدند شهرنشینی جمعیت بیشترین تأثیر را بر میزان مهاجرت طی سال های اخیر داشته است (بنگرید به نورایی، ۱۳۷۶؛ Alibaygi & Karamidehkordi, 2009). گروه دوم بیشتر بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی خاصی از مهاجرت تأکید می کنند و رابطه مهاجرت را با سطح سواد و امکانات

۱ - تحلیل عاملی اکتشافی^۱

یکی از روش‌های آماری برای تجزیه اطلاعات موجود در مجموعه داده‌ها، روش تجزیه عامل‌ها یا تحلیل عاملی است. این روش توسط کارل پیرسون (۱۹۰۱) و چارلز اسپیرمن (۱۹۰۴) برای اولین بار هنگام اندازه‌گیری هوش مطرح شد و برای تعیین تأثیرگذارترین متغیرها در زمانی که تعداد متغیرهای مورد بررسی زیاد و روابط بین آن‌ها ناشناخته باشد، استفاده می‌شود. در این روش متغیرها در عامل‌هایی قرار می‌گیرند؛ به طوری که از عامل اول به عامل‌های بعدی درصد واریانس کاهش می‌یابد؛ از این رو متغیرهایی که در عامل‌های اولی قرار می‌گیرند، تأثیرگذارترین هستند (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹، ۱).

روش تحلیل عاملی اکتشافی، در مواردی به کار می‌رود که هدف اکتشاف یا تولید ابعاد مکنون تشکیل دهنده پدیده مورد بررسی است. متغیرهای تبیین کننده پدیده مورد بررسی، پس از مرور متون نظری و تجربی مرتبط استخراج شده و محقق با به کارگیری این روش، متغیرهای متعدد نشانگر پدیده مورد بررسی را به تعداد کمتری بُعد مکنون (عامل)، تبدیل می‌کند به گونه‌ای که هر عامل، تعدادی از متغیرهای موضوع مورد بررسی را شامل می‌شود. عوامل استخراج شده با این روش، نمایانگرهای خوبی برای تبیین موضوع یا پدیده مورد بررسی هستند. در تحلیل عاملی اکتشافی، محقق، اطلاع دقیقی از اینکه چند عامل از داده‌ها در مطالعه موردی در دست انجام، استخراج خواهند شد و ترکیب آن‌ها (تعلق متغیرها به عوامل استخراج شده) چگونه است، ندارد (زبردست، ۱۳۹۶: ۶). فرایند تحلیل عاملی اکتشافی، شامل مراحل مشخص و خطی است که در آن‌ها چندین تصمیم مهم باید توسط محقق اتخاذ شود. بنابراین، تعیین مسیر تصمیم در فرایند تحلیل

آموزشی (بنگرید به پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری، ۱۳۹۵؛ Malamud & Wozniak, 2012)، با مناسبات هویت (بنگرید به فروتن، ۱۳۹۱؛ Fong et al., 2016)، تأثیر آن بر وقوع جرائم (بنگرید به فرهمند و دیگران، ۱۳۹۶؛ برتاو و دیگران، ۱۳۹۲؛ C. Ousey & E. Kubrin, 2009)، رابطه آن با میزان توسعه‌یافتگی جوامع (بنگرید به ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳؛ وارثی و سروری، ۱۳۸۵) و تنوع قومی و زبانی (بنگرید به رجایی و صحنه، ۱۳۹۴) را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. حال آنکه عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر امر مهاجرت از ابعاد و پیچیدگی‌های متنوعی برخوردار بوده که تمرکز بر یک موضوع خاص تا حدودی تحلیل یکپارچه و تأثیری که این عوامل بر یکدیگر و بر موضوع مهاجرت دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع می‌توان گفت توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی مهاجرت نیازمند به کارگیری یک دیدگاه جامع تر نسبت به این پدیده چندبُعدی و پیچیده است که در قالب این مقاله تلاش شده تا با این دیدگاه به مقوله مهاجرت و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن توجه شود.

مواد و روش‌ها

الف - روش‌شناسی

به منظور تحلیل روابط بین مهاجرت و عوامل اجتماعی و فرهنگی، از دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. بدین مفهوم که از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، متغیرها و عوامل اجتماعی و فرهنگی مستخرج شده و سپس روابط میان هریک از این شاخص‌ها و عوامل و مهاجرت استان‌های کشور از طریق روش تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

1. EFA

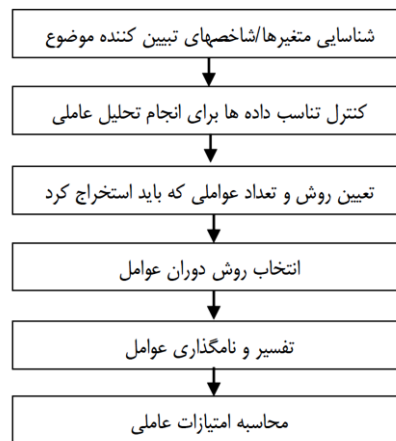
واریانس متغیر وابسته داشته باشد، در مدل باقی می ماند و در غیر این صورت از مدل حذف می شود. در این روش پس از اضافه شدن یک متغیر به مدل، اهمیت سایر متغیرها مجدداً مورد ارزیابی قرار می گیرد و در صورتی که مشخص شود برخی از این متغیرها در تبیین واریانس متغیر وابسته نقشی ندارد، از مدل حذف می شوند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

ب- مبانی نظری تحقیق

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ به مقصد بینجامد (زنجانی، ۱۳۹۴: ۵). به طور کلی مفهوم مهاجرت، دربرگیرنده چهار بُعد ویژه است: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت (وارثی و سروری، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

مهاجرت به معنی اعم کلمه، عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور دائم یا موقت؛ اما به معنی اخص کلمه که مهم ترین نوع تحرک جمعیت است، عبارت است از جابه جاشدن دسته جمعی یا انفرادی انسان ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ (وارثی و سروری، ۱۳۸۵: ۱۸۴). مهاجرت، در کنار مرگ و میر و باروری، یکی از سه مؤلفه اصلی شکل دهنده رشد و پویایی جمعیت است. برخلاف تولد و مرگ که یک بار در زندگی فردی و آن هم در زمان و مکان خاصی اتفاق می افتد، مهاجرت ممکن است به کرات در طول زندگی افراد رخ دهد. امروزه به دلیل ثبات نسبی باروری و مرگ و میر، سهم مهاجرت در تغییرات جمعیتی منطقه ای محسوس و برجسته تر شده است؛ علاوه بر آن، مهاجرت یکی از مهم ترین منابع تأمین نیروی انسانی لازم برای بازارهای کار و توسعه اقتصاد ملی و محلی است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اردبیل، ۱۳۹۶: ۱).

عاملی اکتشافی بسیار مهم است. مراحل شش گانه در شکل ۱، مسیر تصمیم مناسبی را برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی ارائه می دهد (زبردست، ۱۳۹۶: ۶).



شکل ۱. فرایند تحلیل عاملی اکتشافی

(منبع: زبردست، ۱۳۹۶)

- تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی^۱

در جهت تعیین سهم متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون استفاده می شود. در تحلیل رگرسیون هدف، پیش بینی تغییرات متغیر وابسته با توجه به تغییرات متغیرهای مستقل است. با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، محقق می تواند رابطه خطی موجود بین مجموعه ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه ای مطالعه کند که در آن، روابط موجود بین متغیرهای مستقل نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای مطالعه تأثیرات چند متغیر مستقل در متغیر وابسته کاملاً مناسب است. نوع رگرسیون استفاده شده به صورت گام به گام است. این روش به لحاظ آماری، پیچیده ترین روش رگرسیونی است. در این روش، متغیرهای مستقل به صورت تک به تک به رگرسیون اضافه می شوند؛ در صورتی که اضافه شدن متغیر، سهمی در تبیین

1. Multivariate Linear Regression.

زمینه مهاجرت شخص در جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی را فراهم آورد. از دید کارکردگرایان، وقتی در یک نظام، تعادل برهم می‌خورد، مهاجرت به منظور برقراری مجدد تعادل در جامعه الزام می‌یابد. در واقع، مهاجرت از سویی به سازوکار تطابق شخص با تغییرات ایجادشده کمک می‌کند و از سوی دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه بازمی‌گرداند. دال مرکزی آنان در تبیین مسئله مهاجرت، موضوع «عدم تعادل» است. از دید این گروه، نفوذ ارزش‌های غربی و اشکال نوین مصرف در کشورهای توسعه‌نیافته، آرمان‌ها و انتظاراتی جدید در میان افراد و بخش‌های پویای این جوامع پدید آورده است. این تغییرات، تعادل ساختاری موجود را در این جوامع برهم می‌زنند و چون شهرهای بزرگ کانون ارائه این نوع خدمات و ارضای این سنخ نیازها هستند؛ افراد برای تأمین آن‌ها، به سوی این مناطق مهاجرت می‌کنند. براین اساس مهاجرت نتیجه منطقی شکاف میان داشته‌ها و خواسته‌ها و عامل بازگرداننده تعادل از دست رفته به جامعه است؛ از این رو در رویکرد کارکردگرایانه، مهاجرت دارای کارکرد مثبت است و در فرایند نوسازی جامعه، نقشی بنیادین در جهت ایجاد روحیه هم‌نوایی و یگانگی در میان گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی بازی می‌کند. این همان کارکرد مورد انتظار از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است (شرف‌الدین و چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۵۹). همچنین پدیده مهاجرت به عنوان یک عامل اجتماعی، می‌تواند دارای کارکردهای منفی نیز باشد. اگرچه ممکن است مهاجرت به دلایل مختلفی انجام پذیرد، اما شناخت این علل در بین کشورها، شهرها و حتی روستاها، مستلزم شناخت تفاوت‌هاست. مهاجرت تصمیمی ساده و روشن که آینده‌ای مشخص پیش‌روی مهاجر قرار دهد، نیست. اگرچه پدیده مهاجرت در همه جوامع و دوره‌ها مطرح بوده است، اما ماهیت، علل و

مهاجرت با تأثیرپذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمود می‌یابد. گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت‌ها اهمیت بالایی دارند، در مواردی مهاجرت‌ها برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی انجام می‌گیرد و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش‌آب و هوا یا زندگی در بطن جامعه، قوم یا فرهنگ خودی، انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد، بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد. همچنین قبول این واقعیت که مهاجرت همواره ارادی نیست و رانش‌ها و کشش‌های متنوعی در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن برمی‌انگیزند، این مسئله را که مهاجرت حتماً تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، مورد نفی و تردید قرار می‌دهد (زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

بنابراین می‌توان گفت مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد تأکید است که جهان امروز از گذشته با آن مواجه بوده و در تحقیقات و ادبیات گذشته سیر و تحولی عظیم را پشت‌سر گذاشته است (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۴۷).

در نظریه کارکردگرایانه مهاجرت، فرض بر این است که همه نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام‌های اجتماعی آموخته و تأمین می‌شوند. کنشگران در یک نظام معمولاً نیازهایی را طرح می‌کنند که در آن نظام بتوانند آن‌ها را برآورده کنند. گاه در نتیجه وقوع برخی تحولات، نوعی ناهماهنگی میان احساس نیاز و امکان تأمین آن در نظام ایجاد می‌شود. درک و احساس ناهماهنگی میان نیازها و انتظارات فرد از یک سو و ظرفیت‌ها و امکانات نظام اجتماعی از سوی دیگر،

آثار آن در جوامع مختلف یکسان نیست (پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری، ۱۳۹۵: ۷۴).

در طبقه بندی انگیزه های مهاجرتی، علاوه بر عوامل ارادی که اغلب جنبه اقتصادی دارد و شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و سایر انگیزه های شغلی است (زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸)، به انگیزه های متعددی چون نقش امکانات و خدمات شهری در جهت دستیابی به سلامتی و راحتی در زندگی (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴)، انگیزه های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه های مربوط به تحصیل اعضای خانوار (زنجانی، ۱۳۹۴)، نقش شاخص های توسعه انسانی در وقوع مهاجرت، ارتقای وضعیت شغلی و درآمدی (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴)، امنیت و رفاه اجتماعی (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۶)، دستیابی به امکانات و خدمات بهتر (ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳)، تنوع قومی و زبانی (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴؛ فروتن، ۱۳۹۱)، شهرنشینی و تأثیرات شهری شدن جمعیت (ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳؛ وارثی و سروری، ۱۳۸۵؛ آنامرادنژاد، ۱۳۹۵) اشاره شده است که به دیدگاه های فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می شود و چه بسا هنگام آغاز مهاجرت و بعد از آن نیز بار اقتصادی قابل ذکری نداشته باشد؛ بنابراین از طریق ترکیب و خلاصه سازی این متغیرها می توان سه عامل کلی را در جهت تحلیل اجتماعی و فرهنگی وضعیت مهاجرت تشخیص داد که در ادامه تشریح شده است:

۱- ویژگی های جمعی و فردی توسعه

تغییرات ناشی از مهاجرت ممکن است در سطح گروهی یا فردی باشد (زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۵). در فرایند تصمیم گیری برای مهاجرت، به طور نسبی عوامل تأثیرگذار از شخصی به شخص دیگر و از منطقه ای به منطقه ای دیگر کاملاً متفاوت است؛ زیرا مهاجران را طیف گسترده ای از افراد تشکیل شده اند که دارای

زمینه های متفاوتی برای مهاجرت هستند (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۸)؛ از این رو لازم است ویژگی های جمعی و فردی جاذب جمعیت به صورت مجزا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این بخش نقش خانواده و امکانات و خدمات جمعی در جذب مهاجران به عنوان معیارهای جمعی و سواد و شاخص های توسعه انسانی به عنوان عوامل فردی در تحلیل اجتماعی و فرهنگی مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته است:

نقش خانواده در جریانات مهاجرتی

پاتنام معتقد است بالاترین اساس سرمایه اجتماعی، خانواده است؛ دلیل اصلی این امر این است که خانواده برای افراد حمایت، تسلی، احساس تعلق، هویت و یکسری از توقعات را فراهم می کند؛ علاوه بر این، خانواده نه تنها در سرمایه اجتماعی، بلکه در سرمایه انسانی و فیزیکی نیز مشارکت می کند (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۵۰). تحقیقات نشان می دهد که ترکیب خانواده مهاجر، تأثیر بسیار زیادی بر روی سرنوشت نسل دوم مهاجران دارد. والدینی که با یکدیگر زندگی می کنند و خانواده های گسترده ای که در آن ها نقش پدر بزرگ ها، مادر بزرگ ها و بزرگ ترها، کنترل و انگیزه دادن به بچه ها است، باعث می شود که همانندی روبه بالا در بین این جوانان گسترش پیدا کند. برعکس خانواده های ازهم پاشیده که در آن والدین تنها برای تربیت کردن بچه ها با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند، دقیقاً تأثیرات منفی را بر روی فرزندان برجای خواهند گذاشت (برومندزاده و نوبخت، ۱۳۹۳: ۸۲).

به طور کلی در کشورهای کمتر توسعه یافته، خانواده های گسترده، عناصر مرکزی در شبکه های مهاجران هستند که سه جزء اساسی از مهاجرت های شهری-روستایی را ترویج می دهند (Gilbert and Gugler, 1982) به نقل از رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۵۰):

۱. مهاجرت موقت مردان روستایی که دیگر اعضای خانواده خود را ترک می کنند.

مهاجرت و درجات مختلف توسعه یافتگی جوامع

تمرکز فزاینده منابع در بخش خدمات، خود به شکل مستقیم به تشدید تمرکز منطقه‌ای فعالیت‌های صنعتی و تولیدی دامن می‌زند؛ بنابراین تکیه بر منابع حاصل از صدور نفت، منجر به تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای شد که این خود موجب مهاجرت خیل عظیمی از نیروی کار به شهرهای بزرگ و مراکز صنعتی کشور در طول دهه‌های گذشته شده است. برای نشان دادن این نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای، می‌توان از درجات مختلف توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی استفاده کرد. براساس اینکه تعریف از توسعه چه باشد و چه زمینه‌هایی را محور توسعه بدانیم، معیارهای متفاوتی می‌توان برای بیان تفاوت‌های منطقه‌ای در نظر گرفت. شاخص توسعه انسانی^۱ سنجش مناسب و یکدست برای مقایسه توسعه یافتگی مناطق مختلف و نشان دادن نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای بین آن‌ها است (ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۳).

بهبود شاخص توسعه انسانی بهترین سازوکار در توانمندسازی انسان‌ها برای دستیابی به هدف ارتقای سطح زندگی آن‌ها است که از طریق بهره‌گیری از توانمندی‌های فردی انسان حاصل می‌شود. ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد یک جامعه در گرو تحول اساسی در متغیرهای اقتصادی، آموزشی و بهداشتی است؛ بنابراین سه شاخص امید به زندگی در بدو تولد^۲، میزان باسوادی^۳ و درآمد سرانه^۴ معمول‌ترین

۲. مهاجرت خانواده که همه خانواده به نواحی شهری رفته و از مهاجران برگشتی به مبدأ پیروی می‌کنند.
۳. مهاجران همیشگی که خانواده شهری را بنیان می‌گذارند.

نقش امکانات و خدمات جمعی در جذب مهاجران

مهاجران اولیه به جایی می‌روند که در آنجا بتوانند سلامتی و راحتی در زندگی را به دست آورند (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۴۷)؛ از این رو امکانات و خدمات جمعی نظیر کاربری‌های فراغتی، تأسیسات و تجهیزات شهری و... می‌تواند تا حدودی جریان‌های مهاجرتی را تحت تأثیر قرار دهد.

نقش سواد و امکانات آموزشی در فرایند مهاجرت

مهاجرت یکی از عوامل تأثیرگذار بر جمعیت بوده و دارای اثرات منفی و مثبت درازمدت و کوتاه مدت است که این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیر وارد می‌کند. عوامل بسیاری بر مهاجرت تأثیرگذار هستند که در این بین نقش سواد، حائز اهمیت فراوانی است (پایتختی اسکویی و طبیحی اکبری، ۱۳۹۵: ۷۴).

اوت.س.لی در نظریه خود با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» وجود امکانات بیشتر آموزشی در کنار اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد (زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از طرفی امروزه به واسطه کمبود امکانات آموزشی در روستاها، فرایند مهاجرت به جوامع شهری امری اجتناب ناپذیر بوده و افراد روستایی به جهت دسترسی به امکانات آموزشی بالاتر در جهت نیل به سطح سواد و تحصیلات بالاتر، انگیزه بیشتری نسبت به مهاجرت به شهرهای بزرگ دارند و به تدریج در بلندمدت نیز ساکن شهرهای بزرگ شده و در این جوامع مشغول به کار و زندگی می‌شوند؛ بنابراین مهاجرت‌های روستایی به شهری می‌تواند نرخ مثبتی را به همراه داشته باشد (پایتختی اسکویی و طبیحی اکبری، ۱۳۹۵: ۷۵).

1. Human Development Index (HDI)

۲. منظور از امید به زندگی، تعداد سال‌هایی است که انتظار می‌رود یک فرد با ثابت بودن شرایط زندگی زنده بماند.

۳. برای درصد باسوادی جمعیت در کشورهای مختلف، تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است، در کشور ما منظور از درصد باسواد، حاصل نسب تعداد باسوادان از جمعیت ۶ ساله و بیشتر است که به صورت درصد بیان می‌شود.

۴. منظور از درآمد سرانه متوسط میزان درآمد هر فرد از جامعه مورد بررسی است. این شاخص حاصل تقسیم درآمد جامعه، تقسیم بر تعداد افراد آن است. آمار مربوط به این شاخص بر حسب ریال و برای سال ۱۳۹۴ (آخرین اطلاعات

شهر و روستا. فرض او بر آن است که مهاجران فرصت های متعدد بازار کار را در بخش های شهری و روستایی در نظر می گیرند و چنانچه منفعت مورد انتظار آن ها، به وسیله تفاوت درآمدهای واقعی بین کار در شهر و روستا و احتمال به دست آوردن شغلی بیشتر باشد، وجود نرخ های مهاجرت مازاد بر نرخ های رشد امکانات شهری، نه تنها ممکن است بلکه منطقی و محتمل است؛ بنابراین نرخ های بالای بیکاری شهری نتیجه اجتناب ناپذیر عدم تعادل فرصت های اقتصادی بین مناطق روستایی و شهری در اکثر کشورهای در حال توسعه است (ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱).

رابطه مهاجرت و امنیت اجتماعی

مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی به حساب می آید. مهاجرت بی رویه یک بیماری اجتماعی و عامل بسیاری از نابسامانی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. مهاجرت به صورت مهاجرت از روستا به شهر، از شهر به روستا، از روستا به روستا، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در جامعه اتفاق می افتد. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که با مازاد نیروی کار روستایی مواجه اند، مهاجرت های بی رویه ای از مناطق روستایی به سمت مناطق شهری صورت می گیرد. این مهاجران هم در مبدأ و هم در مقصد مسائل و مشکلاتی را به وجود می آورند (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۸) که در این بین می توان به رابطه بین تعداد سرقت های مسکونی با مهاجرت اشاره کرد (بنگرید به برتاو و دیگران، ۱۳۹۲). همچنین اگرچه آمارها نشان می دهند که خودکشی در مهاجران بالاتر از نرخ خودکشی در کشور میزبان نیست، ولی این نرخ از میزان خودکشی افراد مهاجر نسبت به زادگاه خود به مراتب بیشتر است که این نشانگر آن است که مهاجرت به عنوان یک عامل زمینه ساز یا تشدیدکننده می تواند خطر خودکشی را افزایش دهد (www. shahrvand.com)؛ بنابراین می توان

شاخص های مورد استفاده در محاسبه این شاخص ها است. این شاخص با استفاده از فرمول زیر محاسبه می شود (محمودی، ۱۳۸۸: ۸۶):

$$HDI = \frac{SI(e0) + SI(L) + SPI}{3}$$

SI (e0) = امید به زندگی و تعداد سال هایی است که انتظار می رود یک فرد در بدو تولد زنده بماند.

SL (L) = وضعیت سواد جامعه مورد بررسی.

SPI = مقدار درآمد سرانه استاندارد شده به ازای هر فرد ساکن در منطقه مورد مطالعه.

۲- درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی

وجود درآمد بالاتر در شهرها و کلان شهرها در کنار رفاه و امنیتی که در این نقاط وجود دارد، می تواند باعث ورود جمعیت مهاجر شده و به عنوان عامل مهمی در ترغیب مهاجرت شناسایی شود:

مهاجرت در جهت دستیابی به درآمد بیشتر

تحقیقات لی و روزمن نشان داد که دو نوع متفاوت از مهاجران وجود دارد: اول، مهاجران مستقل که برای این مهاجران وضعیت شغلی و میزان بیکاری مقصد شاخص های معناداری برای مهاجرت هستند و دوم، مهاجران پیوند یافته که برای آن ها بیکاری و سطح رفاه زندگی در مقصد مدنظر نیست (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۴۹). از طرفی پیش تر محققان، علل حاشیه نشینی و به طور کلی مهاجرت را در چارچوب الگوی رانش-کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی-بهداشتی و از همه مهم تر، کار و درآمد زیادتر در شهر رسیده اند (وارثی و سروری، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

همچنین در نظریه اقتصادی مهاجرت از روستا به شهر، تودارو فرض می کند که مهاجرت بیشتر واکنشی است نسبت به تفاوت درآمد مورد انتظار تا درآمد واقعی در

رسمی منتشر شده توسط مرکز آمار کشور) محاسبه شده براساس نرخ دلار مرجع در این سال، به واحد دلار آمریکا تبدیل شده است.

جامعه است. نفوذ ارزش های غربی و اشکال مصرف در کشورهای عقب مانده، در میان بخش های پویای جامعه ایجاد آرمان ها و آرزوهای جدید می کند. این تغییر اجتماعی تعادل را در این جوامع برهم می زند؛ بنابراین مهاجرت به شهرهای بزرگ برای نیل به این اهداف و آرزوها نتیجه منطقی شکاف در ارزش ها در جامعه است (ستاری فر و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱).

تنوع قومی و زبانی عاملی در جهت تشویق مهاجرت
اگر مهاجران به محیطی وارد شوند که مردم آنجا به زبان آن ها صحبت می کنند، در آن صورت از نگرانی های ناشی از ورود به محل نا آشنا کاسته شده و از طرد آن ها جلوگیری می شود (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴: ۵۰).
به علاوه در نظریه اجتماعی و فرهنگی مهاجرت، تأثیر مثبت زبان به عنوان عنصری مهم در انتقال و پذیرش فرهنگ جامعه جدید مورد تأکید قرار گرفته است. در این خصوص، مک آلیستر موفقیت مهاجران در فراگیری و تسلط به زبان اصلی جامعه جدید را شبیه موفقیت آنان در دستیابی به کلیدی می داند که در را برای آن ها و به سوی طیف گسترده ای از امکانات و امتیازات جامعه جدید باز می کند (فروتن، ۱۳۹۱: ۷۵).
مهاجرت حتی می تواند ترکیب قومی، نژادی و فرهنگی کشورهای مقصد مهاجرت را نیز کمابیش تحت تأثیر قرار دهد؛ به عنوان مثال می توان به رشد روزافزون جمعیت مهاجران مسلمان در برخی کشورهای اروپایی اشاره کرد. همچنین، می توان به وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران اشاره کرد که عمدتاً در پی جنگ ها و ناآرامی های داخلی و در قالب پناهندگان و آوارگان وارد ایران شده اند و مهاجرت آنان با مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای مهاجران و جامعه مقصد مهاجرت همراه شده است (فروتن، ۱۳۹۱: ۷۴).

گفت میان عواملی نظیر تعداد سرقت، میزان قتل و خودکشی و میزان مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- تنوع امکانات شهری و قومیت ها

مطالعات انجام شده نشان می دهد که وقوع پدیده شهرنشینی و گذار جمعیت به سمت جمعیت شهرنشین در کنار امکانات، خدمات و تنوع زبان ها و قومیت هایی که در شهر زندگی می کنند، همه و همه می تواند بر میزان مهاجرت تأثیر قابل توجهی داشته باشد:

تأثیر شهرنشینی و شهری شدن جمعیت بر مهاجرت
در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی در اثر دفع جمعیت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است که در نتیجه کنترل مرگ و میر، افزایش طبیعی جمعیت روستاها و عدم قدرت بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی صورت گرفته و موجب تسریع مهاجرت روستایی به شهر شده است؛ بنابراین رشد شهر بیش از آنکه موجب بهره وری فزاینده و بالارفتن معیارهای زندگی شود، مشکلات جذب نیروی کار و شیوه بهره برداری مؤثر از آن را وخیم تر کرده است (وارثی و سروری، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

شهرنشینی در ایران نیز همواره با فشار بر منابع روستایی همراه بوده است. جمعیت کثیر روستائیان که با کمبود فرصت های شغلی روبه رو هستند، رکن اصلی مهاجرت می باشند. از سوی دیگر علت بالابودن نسبت شهرنشینی در برخی استان های کشور را می توان به عدم مساعدت اوضاع طبیعی نسبت داد که نتیجه آن ناتوانی بنیان های کشاورزی و تمایل برای مهاجرت به شهرهاست (آنامرادنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

مهاجرت در جهت دستیابی به امکانات و خدمات بهتر
نظریه کارکرد باوری مهاجرت، بر این عقیده است که هنگامی که در یک نظام، تعادل برهم می خورد، مهاجرت یک عنصر الزامی در جهت برقراری تعادل مجدد در

تبیین مدل مفهومی پژوهش

مفهومی با استفاده از مواردی که پیش تر به آن اشاره شد، در قالب مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مشخص و روابط فرضی بین آن‌ها ترسیم شد (جدول ۱).

تدوین مدل مفهومی مبتنی بر تئوری‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه، ادبیات موجود و مطالعات تجربی پیشین و همچنین برگرفته از اندیشه‌های محقق است (حافظی، ۱۳۹۵: ۸۲). در این فرایند، عناصر مدل

جدول ۱. مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مدل مفهومی پژوهش

مؤلفه	معیار	شاخص	اختصار	سال	مأخذ
توسعه فردی و اجتماعی و ویژگی‌های جمعیتی	امکانات و خدمات جمعی	تعداد سالن سینما به‌ازای یک میلیون نفر جمعیت	NPTTP	۹۵	سالنامه آماری
		تعداد تلفن به‌ازای هر خانوار	NHT	۹۵	سالنامه آماری
	درجات مختلف توسعه‌یافتگی	شاخص توسعه انسانی	HDI	۹۵	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
	خانواده	نرخ تشکیل خانوار جدید به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	NEPP	۹۵	سالنامه آماری
		بُعد خانوار	MFS	۹۵	مرکز آمار
	سواد و امکانات آموزشی	سهم جمعیت بالای دبلم به کل جمعیت باسواد	SPUPD	۹۵	مرکز آمار
		نرخ باسوادی	LR	۹۵	گزیده نتایج سرشماری
امنیت و رفاه اجتماعی	امنیت و رفاه اجتماعی	خودکشی به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت	SPP	۹۵	سالنامه آماری
	دستیابی به درآمد	متوسط درآمد بر هزینه خانوار شهری	UAHR	۹۵	طرح آمارگیری هزینه درآمد
تنوع امکانات شهری و قومیت‌ها	دستیابی به امکانات و خدمات بهتر	سهم خانوارهای برخوردار از اینترنت	SHE	۹۴	سالنامه آماری
		سهم خانوارهای برخوردار از رایانه	SHS	۹۴	سالنامه آماری
	تنوع قومی و زبانی	سهم جمعیت غیرایرانی به کل	SNIP	۹۵	سالنامه آماری
	شهرنشینی و شهری شدن جمعیت	نرخ شهرنشینی	UR	۹۵	مرکز آمار

(منبع: محاسبات نگارندگان براساس اطلاعات مرکز آمار ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۵-۱۳۹۰)

معرفی محدوده مورد مطالعه

خزر، جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، از مشرق به افغانستان و پاکستان، از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از مغرب به عراق و ترکیه محدود است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷).

کشور ایران با وسعتی بیش از ۱۰۶ میلیون کیلومتر مربع در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی بین ۲۵ درجه و ۴ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۴ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. کشور ایران از شمال به جمهوری ترکمنستان، دریای

کشور ایران از نظر تقسیمات کشوری، به ۳۱ استان تقسیم می‌شود. بر مبنای این ۳۱ استان و شاخص‌های آماری آن‌ها، تحلیل‌های آماری صورت پذیرفته است.

مساوی صفر خواهد شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل، ۱۳۹۶: ۳).

$$M(gn) = \frac{I - E}{\bar{P}} \times 100$$

بررسی محاسبه نرخ خالص مهاجرت استان‌های کشور در بازه زمانی ۹۰ تا ۹۵ نشان می‌دهد که استان‌های سمنان، البرز، یزد، قم و تهران به ترتیب برخوردار از بیشترین میزان مهاجرت خالص هستند. از طرف دیگر استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و همدان مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور در این بازه زمانی بوده‌اند. در این بازه زمانی، ۶۱ درصد از استان‌های کشور وضعیت مهاجرفرستی و ۳۹ درصد آن‌ها در وضعیت مهاجرپذیری قرار دارند.

شکل ۲ محدوده مورد مطالعه این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی استان‌های ۳۱ گانه مورد مطالعه (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷)

یافته‌های تحقیق

میزان خالص مهاجرت یا موازنه مهاجرتی^۱ به عنوان متغیر وابسته

میزان خالص مهاجرت براساس تفاوت بین آن‌هایی که به یک جمعیت می‌پیوندند و آن‌هایی که آن‌ها را ترک می‌کنند، محاسبه می‌شود؛ به عبارت دیگر نرخ خالص مهاجرت جمعیت یک جامعه را می‌توان از طریق خارج قسمت تفاضل نرخ‌های مهاجران واردشده^۲ و خارج‌شده^۳ بر جمعیت میانه‌سال در هر صد یا هزار نفر از جمعیت به دست آورد. نرخ مهاجرت ممکن است مثبت باشد (اگر مهاجران واردشده بیشتر از خارج‌شده باشد) یا منفی (اگر مهاجران واردشده کمتر از خارج‌شده باشد) و در صورتی که تعداد مهاجران واردشده با مهاجران خارج‌شده برابر باشد، نرخ مهاجرت

1. Net Migration/ Migration Balance
2. Immigration (I)
3. Emigration (E)

جدول ۲. محاسبه موازنه جمعیت (خالص مهاجرت) استان های کشور

استان	وارد شده ۹۵-۹۰	خارج شده ۹۵-۹۰	خالص مهاجرت ۹۵-۹۰	جمعیت میانسال	موازنه مهاجرتی	استان	وارد شده ۹۵-۹۰	خارج شده ۹۵-۹۰	خالص مهاجرت ۹۵-۹۰	جمعیت میانسال	موازنه مهاجرتی
آذربایجان شرقی	۵۰۳۵۴	۶۷۹۶۸	۱۷۶۱۴-	۳۸۱۷۱۳۶	۰.۵۰-%	فارس	۸۰۶۹۷	۹۲۹۳۴	۱۲۲۳۷-	۴۷۲۳۹۶۶	۰.۳۰-%
آذربایجان غربی	۳۶۱۴۶	۴۸۳۰۹	۱۲۱۶۳-	۳۱۷۲۸۹۸	۰.۴۰-%	قزوین	۳۶۶۹۰	۳۴۹۱۸	۱۷۷۲	۱۲۳۷۶۶۳	۰.۱۰-%
اردبیل	۲۴۶۷۵	۴۴۶۲۵	۱۹۹۵۰-	۱۲۵۹۴۵۴	۱.۶۰-%	قم	۷۱۱۰۷	۴۱۶۰۸	۲۹۴۹۹	۱۲۲۱۹۷۸	۲.۴۰-%
اصفهان	۱۳۷۱۳۶	۱۰۳۱۴۰	۳۳۹۹۶	۵۰۰۰۰۸۱	۰.۷۰-%	کردستان	۳۸۶۸۱	۴۹۶۱۸	۱۰۹۳۷-	۱۵۴۸۳۲۸	۰.۷۰-%
البرز	۲۱۴۰۶۱	۱۰۳۴۳۷	۱۱۰۶۲۴	۲۵۶۲۴۵۷	۴.۳۰-%	کرمان	۳۰۲۵۶	۴۸۲۱۷	۱۷۹۶۱-	۳۰۵۱۸۵۳	۰.۶۰-%
ایلام	۱۱۹۴۶	۲۳۰۶۶	۱۱۱۲۰-	۵۶۸۸۷۹	۲.۰۰-%	کرمانشاه	۴۳۳۴۱	۷۷۵۵۳	۳۴۲۱۲-	۱۹۴۸۸۳۱	۱.۸۰-%
بوشهر	۴۹۰۵۸	۳۰۸۸۵	۱۸۱۷۳	۱۰۹۸۱۷۵	۱.۷۰-%	کهگیلویه و بویر احمد	۱۴۲۴۴	۲۶۱۲۳	۱۱۸۷۹-	۶۸۵۸۴۱	۱.۷۰-%
تهران	۵۷۲۲۲۶	۳۵۰۶۳۲	۲۲۱۵۹۴	۱۲۷۲۵۵۱۴	۱.۷۰-%	گلستان	۳۴۲۸۶	۵۱۸۴۸	۱۷۵۶۲-	۷۷۵۳۷۹۰	۰.۰۰-%
چهارمحال و بختیاری	۱۷۸۷۰	۳۸۸۴۴	۲۰۹۷۴-	۹۲۱۵۱۳	۲.۳۰-%	گیلان	۷۵۶۸۰	۶۱۵۵۵	۱۴۱۲۵	۱۸۲۲۹۱۷	۰.۸۰-%
خراسان جنوبی	۲۸۹۰۶	۳۱۲۶۰	۲۳۵۴-	۷۱۵۷۱۶	۰.۳۰-%	لرستان	۲۷۵۱۶	۹۱۴۷۲	۶۳۹۵۶-	۲۵۰۵۷۸۵	۲.۶۰-%
خراسان رضوی	۱۲۰۹۹۱	۱۰۷۷۸۶	۱۳۲۰۵	۶۲۱۴۴۵۲	۰.۲۰-%	مازندران	۷۰۸۵۷	۵۹۰۶۳	۱۱۷۹۴	۱۷۵۷۴۴۶	۰.۷۰-%
خراسان شمالی	۲۱۷۹۶	۳۷۰۱۱	۱۵۲۱۵-	۸۶۵۴۱۰	۱.۸۰-%	مرکزی	۴۶۰۲۵	۵۰۱۲۶	۴۱۰۱-	۱۴۲۱۷۱۷	۰.۳۰-%
خوزستان	۵۶۳۲۰	۱۳۵۴۹۱	۷۹۱۷۱-	۴۶۲۱۱۱۵	۱.۷۰-%	هرمزگان	۶۸۶۱۰	۴۷۵۵۲	۲۱۰۵۸	۱۶۷۷۲۹۹	۱.۳۰-%
زنجان	۲۴۳۱۰	۳۰۴۹۳	۶۱۸۳-	۱۰۳۶۵۹۸	۰.۶۰-%	همدان	۳۹۶۵۲	۷۱۶۳۶	۳۱۹۸۴-	۱۷۴۸۲۵۱	۱.۸۰-%
سمنان	۵۴۰۳۷	۲۲۶۲۲	۳۱۴۱۵	۶۶۶۷۸۹	۴.۷۰-%	یزد	۶۲۳۱۹	۲۳۵۳۵	۳۸۷۸۴	۱۱۰۶۴۸۱	۳.۵۰-%
سیستان و بلوچستان	۳۰۱۲۶	۵۹۶۲۷	۲۹۵۰۱-	۲۶۵۴۶۷۱	۱.۱۰-%						

(منبع: محاسبات نگارندگان براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

استخراج متغیرهای وابسته از طریق تحلیل عاملی اکتشافی

پس از انتخاب داده‌ها، ضریب چولگی و کشیدگی به‌منظور آزمون نرمال‌بودن داده‌ها محاسبه شد. محاسبات انجام‌شده نشان می‌دهد که همه داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. در مرحله بعدی برای کنترل تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی مقادیر KMO و آزمون کریوت بارتلت محاسبه شد. بالاتر بودن KMO

از ۰/۷ و معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ آزمون بارتلت تأیید می‌کند که تحلیل عاملی به درستی صورت گرفته است. سپس در گام بعد extraction شاخص‌های مورد بررسی از طریق Principal Component Analysis آزمون شد و تماماً بالای ۰/۴ بوده و این موضوع نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها به درستی انتخاب شده و شاخص ناکارآمد وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون KMO و کریوت بارتلت به منظور آزمون تناسب داده‌ها

.752	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	
307.319	Approx. Chi-Square	
78	df	Bartlett's Test of Sphericity
.000	Sig.	

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)

به منظور تشخیص تعداد عامل‌ها از روش Eigenvalues و منحنی Scree Plot استفاده شد و از آنجایی که ۳ عامل برخوردار از Eigenvalues بیش از ۱ هستند، داده‌های این پژوهش در قالب ۳ عامل خلاصه شد. همچنین به‌منظور تبیین عوامل از روش دوران Oblique Rotation از طریق فعال‌سازی Direct Oblimin استفاده شد که در این روش زاویه بین محورها لزوماً ۹۰ درجه

نیست. از طریق این دوران، تمایز میان متغیرها مشخص شد و وضعیت دقیق هر متغیر در هر عامل تدقیق شد. وجود همبستگی بالاتر از ۰/۳۲ بین عامل‌ها نشان می‌دهد که دوران مورب به درستی انتخاب شده است. در نهایت بار عاملی و درصد تغییرات متغیرها با استفاده از تحلیل عاملی در جدول ۴ قابل‌ملاحظه است.

جدول ۴. شاخص‌ها و عوامل مستخرج از تحلیل عاملی

نام عوامل استخراج‌شده	درصد تغییرات	بار عاملی	شاخص‌ها	اختصار
ویژگی‌های جمعی و فردی توسعه (CAIDF)	48.817	0.871	تعداد تلفن به‌ازای هر خانوار	NHT
		0.854	نرخ باسواد	LR
		-0.812	نرخ تشکیل خانوار جدید به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	NEPP
		0.802	شاخص توسعه انسانی	HDI
		-0.789	بُعد خانوار	MFS
		0.749	سهم جمعیت بالای دیپلم به کل جمعیت باسواد	SPUPD
		0.592	تعداد سالن سینما به‌ازای یک‌میلیون نفر جمعیت	NPTPP

نام عوامل استخراج شده	درصد تغییرات	بار عاملی	شاخص ها	اختصار
درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی (IWASS)	16.319	0.843	خودکشی به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت	SPP
		-0.822	متوسط درآمد بر هزینه خانوار شهری	UAHR
تنوع امکانات شهری و قومیت ها (DUAE)	9.946	0.923	سهم خانوارهای برخوردار از اینترنت	SHE
		0.918	سهم خانوارهای برخوردار از رایانه	SHS
		0.708	نرخ شهرنشینی	UR
		0.647	سهم جمعیت غیرایرانی به کل	SNIP

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)

این عوامل نیز خطی وجود ندارد (میزان r^2 محاسبه شده برای هر سه عامل مقادیر کمتر از $0/6$ را نشان می دهد). روش گام به گام نشان می دهد که هر سه عامل سهم قابل قبولی در تبیین واریانس متغیر وابسته دارند؛ بنابراین در مدل باقی می ماند. در نهایت خلاصه مدل تدوین شده توسط این روش به شرح زیر است:

برای اهداف این مطالعه و در جهت تبیین رابطه مهاجرت به عنوان متغیر وابسته و امتیاز عامل های اجتماعی و فرهنگی مستخرج از تحلیل عاملی (از طریق روش اندرسون-روبین)، از روش رگرسیون چندمتغیره خطی استفاده شد. پیش از آغاز فرایند تحلیل رگرسیون، همبستگی میان این عوامل مورد آزمون قرار گرفت و بررسی های صورت گرفته نشان داد که میان

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره خطی

Durbin-Watson	Change Statistics					Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
	Sig. F Change	df2	df1	F Change	R Square Change					
	0.000	29	1	28.157	0.493	1.351551%	0.475	0.493	.702 ^a	1
	0.000	28	1	18.113	0.199	1.071817%	0.670	0.692	.832 ^b	2
2.295	0.002	27	1	11.526	0.092	0.913743%	0.760	0.784	.885 ^c	3

a. Predictors: (Constant), A-R factor score 1 for analysis 1
 b. Predictors: (Constant), A-R factor score 1 for analysis 1, A-R factor score 2 for analysis 1
 c. Predictors: (Constant), A-R factor score 1 for analysis 1, A-R factor score 2 for analysis 1, A-R factor score 3 for analysis 1
 d. Dependent Variable: MIG

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)

جدول فوق نشان می دهد که مدل بهینه این تحلیل مدل سوم است که در وهله اول از بیشترین مقادیر R Square برخوردار بوده و در مقایسه با سایر مدل ها کمترین میزان خطا (Std. Error of the Estimate) را نشان می دهد. از طرف دیگر مقادیر محاسبه شده برای

جدول فوق نشان می دهد که مدل بهینه این تحلیل مدل سوم است که در وهله اول از بیشترین مقادیر R Square برخوردار بوده و در مقایسه با سایر مدل ها کمترین میزان خطا (Std. Error of the Estimate) را نشان می دهد. از طرف دیگر مقادیر محاسبه شده برای

$$: 0.006 + 0.901CAIDF - 0.900IWASS + 0.603DUAE$$

MIG: نرخ خالص مهاجرت

CAIDF: ویژگی‌های جمعی و فردی توسعه

IWASS: درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی

DUAE: تنوع امکانات شهری و قومیت‌ها

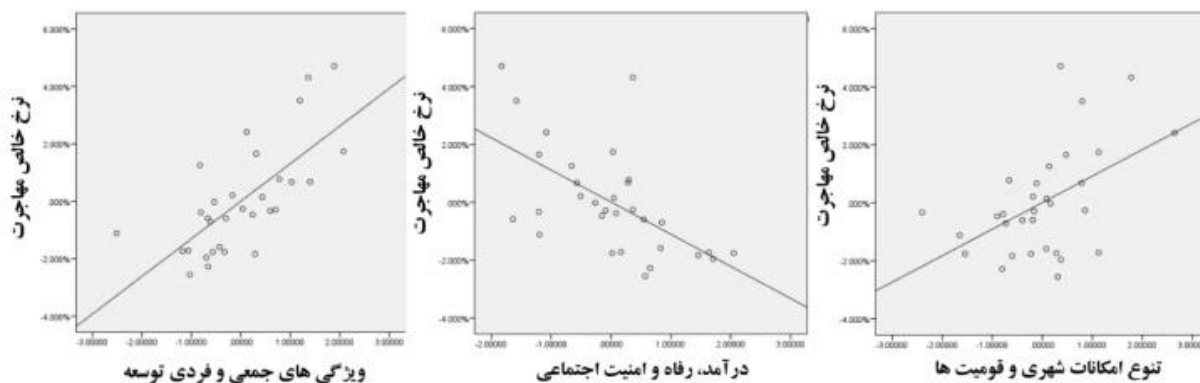
در نهایت از طریق جدول زیر می‌توان رابطه نهایی میان متغیرهای وابسته و مستقل را تبیین کرد. مقادیر VIF، Tolerance و معنی‌داری مقادیر t روایی مدل اندازه‌گیری را تأیید می‌کند؛ بنابراین با توجه به مقادیر B، مدل نهایی را می‌توان به شکل زیر تعریف کرد:

جدول ۶. تبیین رابطه میان نرخ خالص مهاجرت و عوامل اجتماعی و فرهنگی

Collinearity Statistics		Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
VIF	Tolerance			Beta	Std. Error	B	
		0.972	0.035		0.164	0.006	(Constant)
1.197	0.836	0.000	4.938	0.483	0.182	0.901	(CAIDF)
1.061	0.942	0.000	-5.235	-0.482	0.172	-0.900	(IWASS)
1.134	0.882	0.002	3.395	0.323	0.178	0.603	(DUAE)

a. Dependent Variable: MIG

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)



نمودار ۱. خط رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

(منبع: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹)

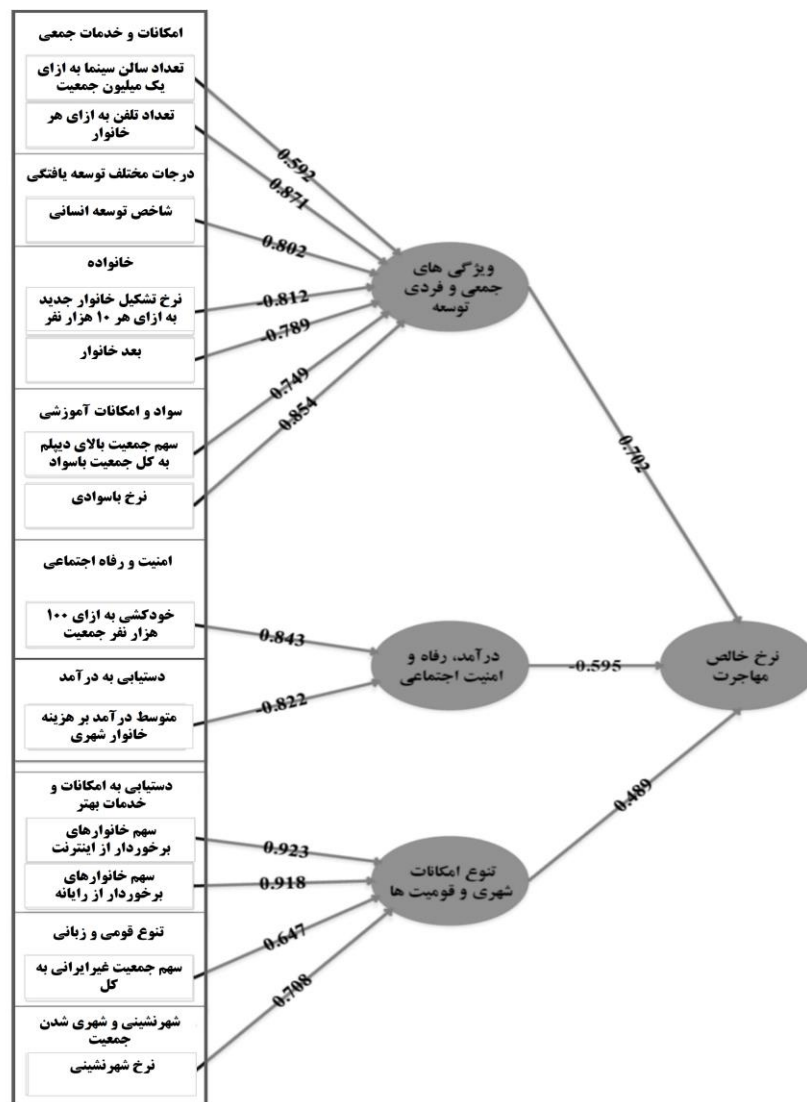
بحث و تحلیل

الف- بررسی تأثیر ابعاد اصلی

۱- رابطه بین نرخ خالص مهاجرت و ویژگی های جمعی و فردی توسعه

تحلیل های صورت گرفته نشان می دهد که همبستگی معنی دار و مثبتی میان نرخ خالص مهاجرت و ویژگی های جمعی و فردی توسعه وجود دارد؛ به عبارت دیگر استان هایی که پذیرای جمعیت مهاجر در بازه زمانی ۹۰ تا ۹۵ بوده اند، از ویژگی های جمعی و

فردی توسعه بالاتری در مقایسه با سایر استان ها برخوردار بوده اند و برعکس. از سوی دیگر تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام شده نشان می دهد که نرخ خالص مهاجرت بیشترین همبستگی را با این عامل داشته است (۰/۷۰۲). در میان استان های کشور، استان های تهران، سمنان و اصفهان به لحاظ ویژگی های جمعی و فردی توسعه، بهترین وضعیت را دارند که هر سه استان جزو مناطق مهاجرپذیر کشور به حساب می آیند.



نمودار ۲. مدل مفهومی نهایی پژوهش

(منبع: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹)

۲- رابطه بین نرخ خالص مهاجرت و درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی

رابطه نرخ خالص مهاجرت و درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی نیز معنی‌دار، ولی درجهت منفی است. به این مفهوم که وجود رفاه و امنیت اجتماعی بالاتر باعث کاهش روند مهاجرفرستی استان‌های کشور می‌شود. همبستگی ۰/۵۹۵- میان این دو مقوله نشان می‌دهد که پس از ویژگی‌های جمعی و فردی توسعه، درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی بیشترین نقش را در جریان‌ات مهاجرتی استان‌های کشور طی این دوره ۵ساله داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال استان‌های یزد، اصفهان و خراسان رضوی با کمترین نرخ خودکشی و بیشترین میزان امنیت اجتماعی و استان‌های سمنان، یزد و مازندران با برخورداری از بیشترین میزان متوسط درآمد بر هزینه خانوار شهری، جزو استان‌های مهاجرپذیر کشور به شمار می‌روند.

۳- رابطه بین نرخ خالص مهاجرت و تنوع امکانات شهری و قومیت‌ها

همبستگی مثبت، معنی‌دار ولی کم‌اثرتر از دو عوامل پیشین مربوط به بُعد تنوع امکانات شهری و قومیت‌ها و نرخ خالص مهاجرت نشان می‌دهد استان‌های مهاجرپذیرتر کشور از تنوع بیشتر امکانات شهری و قومیت‌های مختلف برخوردار هستند؛ به‌عنوان مثال استان‌های قم، البرز و تهران که از تنوع امکانات شهری و قومیت‌های مختلفی برخوردار هستند، از جمله استان‌های برخوردار از نرخ مهاجرپذیری بالا طی این دوره ۵ساله بوده‌اند.

ب- بررسی تأثیر زیربُعدها

بررسی میزان تأثیر زیربُعدها یا معیارهای اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی نشان می‌دهد که همه این مؤلفه‌ها تأثیرات برابری بر میزان مهاجرت شکل گرفته در استان‌های کشور نداشته و اثرات آن‌ها بر میزان نرخ مهاجرت متفاوت بوده‌است؛ به این مفهوم که معیار سطح سواد و وجود امکانات آموزشی مهم‌ترین نقش را

در مهاجرپذیری استان‌ها ایفا کرده‌است. در واقع وجود امکانات بیشتر آموزشی در برخی از استان‌های کشور باعث شده این استان‌ها پذیرای جمعیت مهاجر از سایر نقاط کشور باشند. شکل و اندازه خانواره نیز جزو متغیرهایی است که بر وضعیت مهاجرت تأثیر بسزایی دارد؛ اما درجهت معکوس. در واقع استان‌های مهاجرپذیر عمدتاً از بُعد خانوار و نرخ تشکیل خانواده پایین تری برخوردار هستند که این موضوع نشان می‌دهد وجود خانواده‌های پرجمعیت در کنار امر ازدواج، از جمله عوامل مشوق مهاجرفرستی جمعیت به شمار می‌آیند. توسعه به مفهوم عام‌جاذب جمعیت است و این موضوع در رابطه با استان‌های کشور نیز صدق می‌کند؛ به این مفهوم که استان‌هایی که از میزان توسعه‌یافتگی بیشتری برخوردارند، مهاجرپذیرترین هستند.

وجود امکانات و خدمات جمعی و گروهی که عمدتاً در شهرها ارائه می‌شود، اعم از تجهیزات و تسهیلات شهری نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در جریان‌ات مهاجرتی میان استان‌های کشور شناسایی شود. نبود امنیت و رفاه اجتماعی نیز که امروزه در قالب سرقت، قتل به نفس یا خودکشی نمود پیدا می‌کند، می‌تواند تا حدودی بر میزان مهاجرت استان‌های کشور تأثیرگذار باشد. تفاوت درآمد از هزینه‌های خانوار شهری نیز در استان‌های کشور ترغیب‌کننده میزان مهاجرت بوده‌است؛ زیرا بسیاری از مهاجرت‌هایی که امروزه صورت می‌گیرد، درجهت ارتقای وضعیت خانواده و جایگاه شغلی صورت می‌پذیرد.

دسترسی به خدماتی نظیر اینترنت، رایانه و وسایل ارتباط جمعی نیز در وهله بعدی بر میزان مهاجرت تأثیر می‌گذارد؛ هرچند تأثیر این معیار در مقایسه با سایر معیارها چشم‌گیر نیست. در نهایت میزان شهرنشینی و تنوع قومی و زبانی از جمله ابعادی هستند که کمترین تأثیر را بر میزان مهاجرت استان‌های کشور طی این دوره ۵ساله داشته‌اند.

جدول ۷. اثرات کلی معیارها بر نرخ خالص مهاجرت

درجه اهمیت	جهت مسیر	تأثیر کلی
۱	نرخ خالص مهاجرت → سواد و امکانات آموزشی	۰/۵۹۹۵
۲	نرخ خالص مهاجرت → شکل و اندازه خانواده	-۰/۵۷۰۳
۳	نرخ خالص مهاجرت → درجات مختلف توسعه یافتگی	۰/۵۶۳۲
۴	نرخ خالص مهاجرت → امکانات و خدمات جمعی	۰/۵۱۳۵
۵	نرخ خالص مهاجرت → امنیت و رفاه اجتماعی	-۰/۵۰۱۷
۶	نرخ خالص مهاجرت → دستیابی به درآمد	۰/۴۸۹۲
۷	نرخ خالص مهاجرت → دستیابی به امکانات و خدمات بهتر	۰/۴۵۱۲
۸	نرخ خالص مهاجرت → شهرنشینی و شهری شدن جمعیت	۰/۳۴۶۳
۹	نرخ خالص مهاجرت → تنوع قومی و زبانی	۰/۳۱۶۳

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)

نتیجه گیری و پیشنهاد

از آنجایی که هدف این پژوهش استخراج و تحلیل روابط میان مهاجرت و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی استان های کشور است، یافته های تحقیق، چارچوب نظری و مدل مفهومی این تحقیق نشان می دهد که دیدگاه جامع تر نسبت به ابعاد و ویژگی های این پدیده چندبعدی و پیچیده، قادر خواهد بود میزان تأثیرات متفاوت عوامل اجتماعی و فرهنگی را بر روی این موضوع نشان دهد تا با اتخاذ راهبردهای اصلی تر و کارا تر، موضوع مهاجرت بین مناطق مختلف کشور را هدف گرفت و تا حدودی این موضوع را در پهنه سرزمین تعدیل کرد.

به طور کلی دیدگاه اجتماعی و فرهنگی بی آنکه نقش اقتصادی را در موضوع مهاجرت نفی کند، خود می تواند مهاجرت را تشدید کرده و بر این موضوع تأثیرگذار باشد؛ بنابراین بررسی عوامل و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نشان می دهد که میان این عوامل و میزان مهاجرپذیری (و مهاجرفرستی) استان های کشور، رابطه معنی داری

وجود دارد؛ اگرچه این عوامل به شکل متفاوتی بر میزان خالص مهاجرت استان های کشور تأثیر گذاشته اند؛ به نحوی که ویژگی های جمعی و فردی توسعه در وهله اول؛ درآمد، رفاه و امنیت اجتماعی در وهله دوم و تنوع امکانات شهری و قومیت ها بیشترین تأثیر را بر نرخ خالص مهاجرت در این دوره زمانی داشته اند. بررسی میزان تأثیر معیارهای اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی نیز این واقعیت را آشکار می سازد که سه معیار سواد و امکانات آموزشی، شکل و اندازه خانواده و درجات مختلف توسعه یافتگی بیشترین تأثیر را بر نرخ خالص مهاجرت داشته اند.

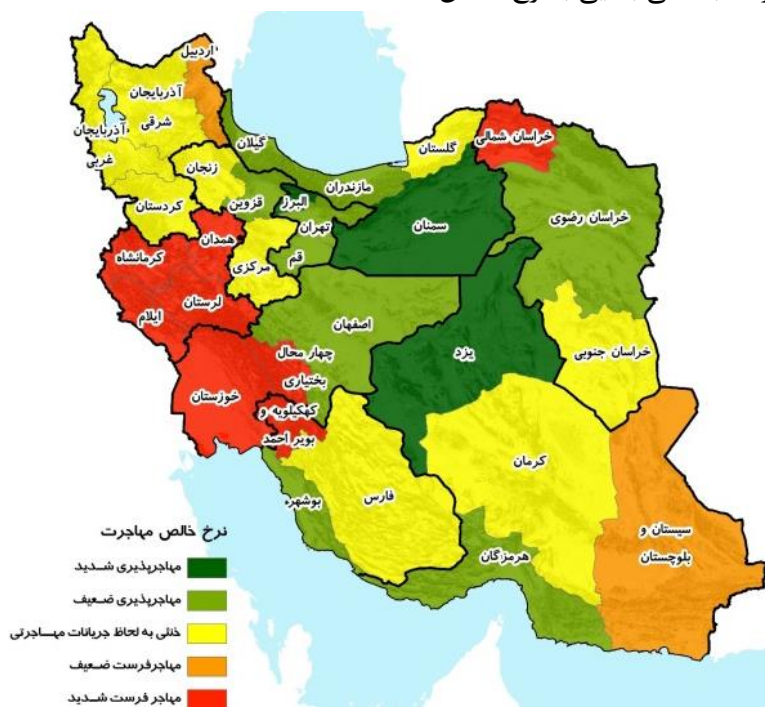
یافته های این پژوهش نشان می دهد تأثیر سواد و امکانات آموزشی بر روی وضعیت مهاجرت طی سالیان گذشته بسیار مشهود بوده؛ به طوری که مطالعاتی که پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری (۱۳۹۵) در رابطه با نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران داشته اند - اگرچه در تحقیقات آنها میزان سواد رابطه معکوسی با میزان مهاجرت دارد- به وجود این رابطه پی برده اند؛ از این رو به عنوان اصلی ترین راهبرد، سرمایه گذاری

مهاجرت استان‌های کشور دارد. در تحقیقاتی که ستاری‌فر و دیگران (۱۳۹۳) درباره روابط میان مهاجرت، شهرنشینی و اشتغال غیررسمی انجام داده‌اند نیز رابطه میان مهاجرپذیری استان‌های کشور و میزان شاخص توسعه انسانی آشکار شده است؛ بنابراین از طریق ارتقای وضعیت سلامت، آموزش و اشتغال - به‌عنوان سه جزء اصلی شاخص توسعه انسانی - می‌توان مهاجرت را در استان‌های کشور تقلیل داد.

در ادامه وضعیت نرخ خالص مهاجرت استان‌های کشور در قالب مناطق ۹ گانه آمایش کشور ترسیم شده است (شکل ۳). بر پایه نتایج برآمده از پژوهش بالا و متناسب با ویژگی‌های آمایش سرزمین و توزیع جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمینی کشور، سیاست‌های فضایی جمعیتی ذیل، در راستای دستیابی به سازمان فضایی مطلوب و مؤثر در جهت بالفعل‌سازی ظرفیت‌های توسعه و تعدیل مسائل برآمده از تحرکات جمعیتی کشور در ۴۰ سال اخیر پیشنهاد می‌شود:

بر روی زیرساخت‌های آموزشی نقاط محروم‌تر کشور در سطوح خدمات آموزشی و آموزش عالی - می‌تواند تا حدود زیادی مهاجرت بین‌استانی را در کشور تعدیل کند. در گام بعدی مهاجرت میان استان‌های کشور بیشترین تأثیر را از شکل و اندازه خانواده می‌پذیرد؛ این موضوع نشان می‌دهد وجود خانوارهای کوچک‌تر با نرخ کمتر تشکیل خانواده بر روی مفهوم مهاجرت تأثیرگذار است. در مطالعات مشابه نیز برومندزاده و نوبخت (۱۳۹۳) بر تأثیر نوع خانوار (گسترده و هسته‌ای) بر میزان مهاجرفرستی تأکید کرده‌اند؛ بنابراین اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای تشویق به زندگی جمعی، ازدواج و متعاقباً تشویق به زاد و ولد در راستای افزایش بُعد خانوار می‌تواند نرخ خالص مهاجرت میان استان‌های کشور را کاهش دهد.

در نهایت اندازه‌گیری شاخص توسعه انسانی به‌عنوان سنجه‌ای مناسب و یکدست برای مقایسه توسعه‌یافتگی مناطق مختلف و نابرابری‌ها و تفاوت‌های بین استان‌ها نشان داد که این متغیر همبستگی بالایی با نرخ خالص



شکل ۳. نرخ خالص مهاجرت استان‌های ۳۱ گانه مورد مطالعه در بستر مناطق ۹ گانه آمایش کشور

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹)

پیشنهاد طراحی پرسشنامه یا مصاحبه با کارشناسان و استادان این حوزه با استفاده از روش دلفی و تبیین مدل ساختاری مهاجرت در سطح استان های کشور. در ادامه می توان خروجی های مدل احصاشده از این روش را با خروجی های این مقاله مقایسه و تفاوت های ماهوی و رویه ای میان این دو رویکرد را استخراج کرد.

منابع

آنامردنژاد، رحیم بردی. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برنامه ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران، جغرافیا؛ پژوهش و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۹۳-۱۱۲.

<http://ensani.ir/fa/article/download/368236>

برومندزاده، محمدرضا؛ نوبخت، رضا. (۱۳۹۳). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، دوره ۲۱، شماره ۹۰-۸۹، صص ۷۳-۹۰.

<http://populationmag.ir/article-1-25-fa.html/>

برتاو، عیسی؛ حاجی نژاد، علی؛ عسگری، علی؛ گلی، علی. (۱۳۹۲). بررسی الگوهای سرقت مسکونی با به کارگیری رویکرد تحلیل اکتشافی داده های فضایی (مورد مطالعه: شهر زاهدان)، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۶، صص ۱-۲۳.

<http://ensani.ir/fa/article/download/323532>

پایتختی اسکویی، سید علی؛ طبقچی اکبری، لاله. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران. مطالعات جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۷۳-۸۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=280446>

حافظی، حسن. (۱۳۹۵). مقایسه روش های پیشرفته آماری تحلیل مسیر و مدل سازی معادلات ساختاری با تأکید بر کاربرد آن ها در علوم رفتاری، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی آزاد نگاره، دوره ۸، شماره ۲، صص ۶۸-۹۸.

<https://civilica.com/doc/644698/>

- اولویت دهی تخصیص منابع عمرانی به مناطق مرزی دارای قابلیت های مشترک با کانون های اصلی و بستر سازی ایجاد مراکز رشد فعالیت و جمعیت با تأکید بر مناطق مرزی ساحلی و جزایر راهبردی؛

- تقویت جمعیت پذیری و متنوع سازی اقتصاد روستا و پیوندهای شهری-روستایی؛

- توسعه شهرهای کوچک و میانی پیرامون مناطق شهری بزرگ و مناطق خارج از پوشش عملکردی خدماتی مطلوب مناطق کلان شهری؛

- ایجاد شهرها و شهرک های جدید تخصصی به منظور ارتقای همزمان تعادل سرزمینی و کارایی شبکه شهری موجود؛

- توسعه پیوند زیرساختی و عملکردی بین مناطق کلان شهری و حاشیه؛

- تغییر سازمان فضایی کشور از وضعیت تک مرکزی به چند مرکزی همکار و مکمل؛

- تخصص گرایی مناطق و تقویت زیرساخت های توسعه ای در مناطق کمتر توسعه یافته دارای قابلیت برجسته و هدایت هدفمند جریانات مهاجرتی به این مناطق با تأکید بر مناطق شرقی و جنوبی کشور؛

- تقویت نقش بخش خصوصی در توسعه یکپارچه و مبتنی بر دانش در زمینه مزیت ها و قابلیت های ممتاز در مناطق کمتر توسعه یافته.

در انتها به منظور بسط و توسعه چارچوب نظری و روش شناسی این مقاله، پیشنهادات زیر ارائه شده است:

- انجام مطالعات در سطح شهرستان های کشور با توجه به اطلاعات موجود می تواند مدل جامع تری از تحولات و جابه جایی های جمعیتی در سطح کشور ارائه کند؛ از این رو پیشنهاد می شود در قالب ۴۲۸ شهرستان کشور (در سال ۱۳۹۵) روابط میان متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و میزان مهاجر پذیری و مهاجر فرستی مورد بررسی قرار گیرد.

فرهمند، شکوفه؛ صفاری، بابک؛ موسوی، وجیهه. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر وقوع جرائم در استان‌های ایران با تأکید بر مهاجرت (۱۳۹۰-۱۳۸۵). اقتصاد، تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، دوره ۵۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۱۷ تا ۱۳۸.

https://jte.ut.ac.ir/article_59590.html

فروتن، یعقوب. (۱۳۹۱). بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت. علوم سیاسی، موسسه مطالعات ملی، دوره ۱۳، شماره ۲ (۵۰)، صص ۷۳-۹۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=154847>

محمدی، محمود؛ شاهپوندی، احمد؛ ایزدی، آرزو. (۱۳۹۲). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت محلات شهری با استفاده از معامله رگرسیونی چندمتغیره (مطالعه موردی: محلات شهر اصفهان). جغرافیا، برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۰۷-۱۲۴.

<http://ensani.ir/fa/article/download/324889>

محمدی، محمدجواد. (۱۳۸۸). محاسبه شاخص توسعه انسانی- کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، دوره ۱۶، شماره ۶۷/۶۸، صص ۸۱-۱۱۸.

http://populationmag.ir/browse.php?a_id=308&slc_1_ang=fa&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵.

<https://www.amar.org.ir/>

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵.

https://nnt.sci.org.ir/sites/Apps/yearbook/Lists/yearbook_req/Item/newifs.aspx

نورایی، مهرداد. (۱۳۷۶). پویایی پدیده هویت در مهاجرت و حاشیه‌نشینی. فصلنامه فرهنگ و علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱۰، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۳۵۱-۳۵۸.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=189120>

وارثی، حمیدرضا؛ سروری، زهتاب. (۱۳۸۵). تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، جغرافیا و

رجایی، سید عباس؛ صحنه، بهمن. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی در تهران (مطالعه موردی: رامشه‌ای‌های مقیم تهران)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۴۷-۶۳.

<https://www.magiran.com/paper/1519853>

زارع چاهوکی، محمدعلی. (۱۳۸۹). روش‌های تحلیل چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

<http://bayanbox.ir/view/247856949404817794/multi-variate.pdf>

زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۶). کاربرد روش تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (موردپژوهی: سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در کلان‌شهر تهران)، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران، دوره بیست‌ودوم، شماره ۲، صص ۵-۱۸.

https://jfaup.ut.ac.ir/article_63989.html

زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۹۴). مهاجرت. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ چهارم، تهران. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل. (۱۳۹۶). تحلیل مهاجرت با تأکید بر استان اردبیل براساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل، معاونت آمار و اطلاعات.

<https://ardabilmpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=341&fkeyid=&siteid=1&pageid=341>

ستاری‌فر، محمد؛ زارعی، حمیدرضا؛ شکری، نوشین. (۱۳۹۳). اثر مهاجرت و شهرنشینی بر اشتغال غیررسمی در مناطق مختلف ایران (روش شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه MIMIC)، فصلنامه اقتصاد مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دوره هشتم، شماره ۲۹، صص ۴۹-۷۰.

<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=275586>

شرف‌الدین، سید حسین؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۹۳). نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی. علوم اجتماعی، معرفت فرهنگی اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۵۱-۷۸.

<http://ensani.ir/fa/article/download/356810>

https://www.researchgate.net/publication/300084171_Migration_and_Identity_Perspectives_From_Asia_Europe_and_North_America

Malamud, Ofer, Wozniak, Abigail (2012). The Impact of College on Migration Evidence from the Vietnam Generation. The Journal of Human Resources, Vol. 47, No. 4 (Fall 2012), pp. 913-950.

<http://jhr.uwpress.org/content/47/4/913.short>

C. Ousey, Graham, E. Kubrin, Charis (2009). Exploring the Connection between Immigration and Violent Crime Rates in U.S. Cities, 1980–2000. Social Problems, Vol. 56, No. 3 (August 2009), pp. 447-473.

https://www.jstor.org/stable/10.1525/sp.2009.56.3.447?seq=1#metadata_info_tab_contents

Www. shahrvand.com

توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۳، شماره ۶،
صص ۱۷۹-۱۹۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=86931>

Alibaygi, Amirhossein, Karamidehkordi, Esmail (2009). Iranian Rural Youths' Intention to Migrate to Urban Areas. Asian and Pacific Migration Journal, Vol. 18, No. 2, 2009.

https://www.researchgate.net/publication/273339205_Iranian_Rural_Youths'_Intention_to_Migrate_to_Urban_Areas

Fong, Eric, Verkuyten, Maykel, Y. P. Choi, Susanne (2016). Migration and Identity: Perspectives from Asia, Europe, and North America. American Behavioral Scientist, 2016, Vol. 60(5-6) 559–564.